

نبود - در فرانسه درجه « مهندسی » و نه
دکتری گرفتند - پس از مراجعت بایران
مشاغل مختلف داشتند یکوقتی هم در دوره
های مجلس بنمایندگی مجلس انتخاب شدند
و درگیر و دار حوادث تیرماه ۱۳۳۱ نایب
رئیس مجلس شورای ملی بودند .

۴۴- رهنما - حسن - دیپلمه متوسطه
و اگر حافظه ام خطا نکند اهل زنجان و از
خانواده‌های بازرگان یا مالک و جوانی خوش
بنیه و مؤدب و چهره بودند لیسانس و
دکترای موقع و پیش از مسافرت نداشتند و
در فرانسه گویا رشته کشاورزی خوانده
مهندس شدند .

۴۵- روح بخش - سید علی اکبر -
ایشان هم فقط دوره متوسطه را دیده بودند
اگر حافظه ام خطا نکرده باشد از سلسله
خاندانهای سادات شیرازی برخاسته جوانی
مهدب ، متدین و با استعداد بودند .

۴۶- روشن زاده - امانت‌الله - فقط
دیپلم متوسطه داشتند و در فرانسه دکترای
گرفتند یا مهندسی .

۴۷- ریاحی - اصفهانی - سید عبدالله
نیز دیپلم متوسطه داشتند و در فرانسه درست
یادم نیست درجه مهندسی گرفتند .

۴۸- ریاضی کرمانی - حسن - دیپلمه
متوسطه بودند و در فرانسه رشته دندان پزشکی
خوانده دکتر جراح و دندانپزشکی حاذقی
شدند در مراجعت تا این سالهای اخیر استاد
دانشگاه بودند در خیابان پهلوی جنب سینما
رادیو سیتی مطب و مؤسسه دندان پزشکی و
باین بنده محبت و لطف زیاد دارند و اغلب
بزیارتشان نایل میشوم .

۴۹- ریاضی - حسن - دیپلمه متوسطه
بودند و در فرانسه یادم نیست درجه دکتری
یا مهندسی گرفتند .

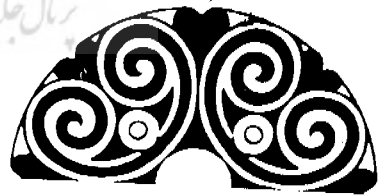


- ۴ -

اعزام

نخستین گروه

محصّلین به اروپا



۴۳- رضوی - سیداحمد - اهل

کرمان و دیپلمه دارالفنون از خانواده محترم
و معینی بودند هنگام حرکت بفرانسه لیسانس
و دکترای نداشتند - دوره مهندسی هم در ایران

۵۰ - ریاضی - سید عبدالله - همین
جناب مهندس عبدالله ریاضی رئیس علمی مجلس
شورای ملی هستند.

هنگام عزیمت بفرانسه فقط دیپلم
متوسطه داشتند در فرانسه درجه مهندسی
گرفتند پس از مراجعت بایران سالها استاد و
سپس رئیس دانشکده فنی دانشگاه تهران
بودند و چند دوره پی‌اپی است که نماینده
مجلس از تهران و رئیس مجلس میباشند.

۵۱ - زاهدی - محسن - اگر حافظه -
ام‌خطانکنند پیش از سفر بفرانسه فارغ التحصیل
مدرسه عالی طب و بیا یگانه دانشکده پزشکی
تهران و دارای درجه دکتری بودند ، در
فرانسه رشته امراض داخلی خوانده دکتری
مجدد و سپس درجه پروفسوری گرفتند و پس
از مراجعت بایران به پروفسور محسن زاهدی
شهرت یافتند خانه و مطب و محل کارشان در
زرگنده - قدری بالاتر از سه راه - قرار دارد
و با بنده همسایه میباشند و اغلب زیارتشان
می‌کنم .

۵۲ - زرگر - آقا جان - اهل رشت از
خانواده های بازرگانان ثروتمند - دیپلمه
متوسطه - خیلی خوش لباس - شیک پوش -
مؤدب ، مهذب - دست و دل باز و بذال و
بولدار و تا حدی ولخرج بودند . با بنده
خیلی دوست صمیمی بوده لطف خاصی داشتند
ولی متأسفانه بیشتر از سی سال است که از
ایشان خبر ندارم .

۵۳ - ساسان - رحیم - اهل تبریز -
گویا بازرگان زاده دیپلمه متوسطه ورزش کار
قوی بنیه - خوش اندام - باهوش - لایق ، با
استعداد غیور ، صمیمی ، پرشور ، نسبت بشعائر
ملی و مذهبی متعصب ، وطن پرست و وقتی پای
شرافت وطن پیش می‌آمد بسیار عصبانی بود در

فرانسه رشته مهندسی راه و ساختمان خواند
و درجه مهندسی گرفت و پس از مراجعت به
ایران بکارهای مختلف مشغول بود با مهندس
خسرو هدایت شریک شد و یکی از نخستین
خطوط منظم اتوبوس رانی بین مرکز و غرب
را بنام خط هفت تأسیس کرد و چند سال
است که بجوار رحمت حق پیوسته .

۵۴ - سامی راد - حسین - اهل مشهد
و هنگام مسافرت بفرانسه فقط دیپلمه متوسطه
بودند و در فرانسه درجه دکتری گرفتند .

۵۵ - سدهی - حسین - از نام خانوادهاش
پیداست که از اهالی سده اصفهان و مثل تمام
اصفهان‌ها با هوش ، لایق و با استعداد ،
هنگام سفر بفرانسه دیپلمه متوسطه ، جوانی
مؤدب ، مهذب ، خوش پوش و بذله گو و نیکو
مشراب بودند - در فرانسه درجه مهندسی
گرفتند .

۵۶ - سرخوش - حیدر - هنگام عزیمت
بفرانسه دیپلمه متوسطه - جوانی مؤدب -
تربیت شده ، منظم - خوش پوش - یاشیک
پوش تا بعد لو کسی و جلال زیبا و خوشگل
بودند - در فرانسه دندان پزشکی و جراحی
دندان و دهان خوانده درجه دکتری گرفتند
پس از مراجعت بایران استاد دانشگاه تهران
دانشکده پزشکی بودند .

خداوند سلامتشان بدارد - مانند دوران
نوجوانی خوش پوش و خوش مشرب و صمیمی
و خوشگل مانده‌اند .

۵۷ - سروتی - علی اکبر - وقت سفر
باروپا دیپلمه متوسطه و جوانی خوش لباس و
مهذب بودند یادم نیست در فرانسه چه رشته
خواندند دکتری یا مهندس شدند .

۵۸ - سعیدی طاهری - علی - دیپلمه
متوسطه بودند یادم نیست در فرانسه دکتر
یا مهندس شدند .

۵۹- سمعی- محمد نصیر. از خانواده محترم سمعی های معروف رشت و هنگام مسافرت بفرانسه دیپلمه متوسطه و بمناسبت تعلق داشتن بیک خاندان جلیل و کهن سال و معزز جوانی بودند بسیار مؤدب ، تربیت شده ، خوش لباس و شیک پوش و لایق و با استعداد دیگر یادم نیست در فرانسه چه خواندند و دکتری یامهندسی گرفتند.

۶۰- سنجایی - کریم- فرزند مرحوم سردار ناصر سنجایی ، برادرزاده مرحومان علی اکبر خان سردار اقتدار و سالار ظفر سنجایی - رؤسای شجاع و میهن پرست ایل سنجایی - سنجایی هنگام حرکت بفرانسه دارای درجه لیسانس از دانشکده حقوق تهران بودند - در فرانسه خوب تحصیل کرده و با درجه عالی دکترای حقوق گرفتند و پس از مراجعت بایران استاد دانشگاه (دانشکده حقوق) شدند و در موقع طرح مسئله و محاکمه نفت ایرانی بقضای دولت انگلیس و پس از احاله قضیه از طرف شورای امنیت سازمان ملل - بطرفیت دولت - در دیوان دوری بین المللی لاهه از طرف دولت ایران بمنوان قاضی اختصاصی بان دادگاه بین المللی معرفی گردیده و وظیفه خود را با شایستگی انجام دادند.

۶۱- سهیلی- نام کوچک این شخص محترم یادم نیست همینقدر بخاطر دارم دیپلمه متوسطه ، گویا اهل رشت از خانواده محترم و جوانی تربیت شده مهذب و خوش لباس بودند

۶۲- سیاسی - محمود - آن مرحوم نیز موقع حرکت باروفا فقط دیپلمه متوسطه و جوانی در آنوقت بودند خوش لباس- شیک پوش و مهذب - در فرانسه رشته دندان پزشکی خوانده درجه دکترا گرفتند پس از

مراجعت بایران سالها استاد دانشگاه و رئیس دانشکده دندان پزشکی بودند و چند سال پیش در گذشته است

۶۳- شایگان - سیدعلی - اهل شیراز از سلسله سادات شیرازی ، موقع حرکت بفرانسه لیسانسیه حقوق از دانشکده حقوق تهران بود در فرانسه درجه دکتری گرفت پس از مراجعت بایران سالها استاد دانشگاه و گویا چند زمانی هم رئیس دانشکده حقوق و در یکی از کمیته ها وزیر فرهنگ شد و حالیه در آمریکاست و از قرار معلوم در یکی از دانشگاه های آنجا تدریس می کند.

۶۴- شیخ- ابو الحسن- فرزند مرحوم احياء الملك شيخ یکی از رجال محترم و عالیقدر و معاون اسبق بلدیة تهران هستند موقع حرکت باروفا دیپلمه متوسطه بودند در آلمان رشته علوم خوانده درجه دکتری گرفتند پس از مراجعت استاد دانشگاه و مدتی معاون دانشکده علوم بودند و حالا هم گاهی بزیارتشان نائل میشوم.

۶۵- شیخ نیا - غلامعلی - ایشان هم هنگام مسافرت باروفا فقط دیپلمه متوسطه بودند ، چند سال اول ارتباطی باهم داشتیم ولی چهل سال بیشتر می گذرد که از آندوست عزیز و گرامی دوره جوانی اطلاعی ندارم .

۶۶- شیدفر- زین العابدین- نسبت باین شخص عزیز و محترم آنچه می نویسم چون از روی حافظه است قدری تردید دارم- درست یادم نیست که آیا ایشان هنگام عزیمت بفرانسه لیسانس حقوق داشتند یا خیر؟ همینقدر بخاطرم مانده است

گویا رشته حقوق و اقتصاد تحصیل کرده و درجه دکتری گرفتند.

۶۷- شعراوی - محمد - این دوست عزیز و گرامی دوره جوانی هنگام عزیمت

بدهند و پس از دوسه سال - بعد از بنده بایران برگشتند و در بانکهای تهران به کار پرداختند و تا چند سال قبل که به فیض ملاقاتشان نائل آمدم ریاست یکی از ادارات مرکزی بانک بازرگانی ایران را بعهده داشتند.

(ادامه دارد)

شدیم تا حوالی ظهر از آقایان خبری نشد عصر چند نفری گرد آمدند و بعضی از آنها از وضع دبستان شکایت می کردند بازه جدیداً بایشان اخطار شد که هر طور که دل ایشان میخواهد اقدام کنند .

بالاخره تقریباً دوهزار و پانصد تومان تمهید کردند که بپرد، زنده و عده ایشان عبارت بود از حاجی اسمعیل که هشتصد تومان و برادرزاده اش یکهزار و دویست تومان و حاجی حسن صد تومان تمهید کردند .

در اینجا می گفتند يك سال است که تا بلوی بهداری زده اند ولی تا کنون نه روزی آنجا باز شده و نه طبیعی دیده شده است. کند رود . در تاریخ ۲۷ ر ۴۴ با اتفاق آقایان میرزا عبدالله و میرزا عبدالحسین و آقا ضیاء برای دیدن محل ساختمان دبستان بکنند رود و قفسه‌سختی تبریز رفتیم این آقایان خودشان تمهید شده بودند که دبستانی در آن جا بسازند محلی را باز دید کردیم بمساحت ۶۰ در ۴۰ که آب جاری هم از آنجاست گذشت و موقع نهار بر گشتیم .

پایان

در شماره آینده بخشی دیگر از یادداشت های امیر خیزی چاپ خواهد شد .

بفرانسه فقط دیپلم دوره متوسطه داشتند چند صباحی در فرانسه طی تابستان ۱۳۰۸ شمسی در شهر بز انسون تعطیلات تحصیلی را با سیزده چهارده نفر دیگر از رفقای محصل ایرانی خدمتشان بودم بر اثر بد رفتاری اسمعیل مرآت سر پرست محصلین ایشان نتوانستند و یا نخواستند بتحصیلات خود در فرانسه ادامه

بساختمان دبستان مذاکره کنید قبل از ظهر وارد سعید آباد شدیم راه را سیل خراب کرده بود تقریباً ساعتی دیرتر از معمول بدانجا رسیدیم در منزل آقای احمد خان عجمی معروف به سرهنک منزل کردیم اهالی که مختصر از آمدن ما با اطلاع بودند جسته جسته آمدند .

پس از صرف نهار رواندکی استراحت تقریباً سه بعد از ظهر در یکی از باغها مردم جمع شدند و ما هم آنجا رفتیم با نهایت خوشروئی ما را استقبال کردند و در همان مجلس دوهزار و ششصد و بیست تومان نقد و یکصد عدد تیر و پنجاه پند پتو تمهید کردند و آقای میرزا یدالله هم آهک مورد نیاز را تهیه کرد و محل دبستان را هم یک جای بسیار مناسبی انتخاب کردند و شرحی مبنی بر تمهید نامه نوشته امضاء کردند و تسلیم نمودند پس از انجام این کار مراجعت کرده با سمنج آمدیم هنوز آقایان جمع نشده بودند پس از مدتی چند نفر جمع شدند و بنای آه و ناله گذاشتند گفتیم که ما انهر کسی که قادر است مساعدت می خواهیم بالاخره آن روز کار انجام نیافت و قرارد روزی دیگر که عبارت از شنبه آینده باشد به آنجا برویم .

پس مجدداً در تاریخ ۱۲ ر ۴۷ ر بیاسمنج رفته در خانه حاجی اسمعیل وارد